

ایران



سخن‌روز

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند:

از دنیا بپرهیزید، قسم به آن کس که جان من در کف اوست که دنیا از

هاروت و ماروت ساحرتر است. / کنزالعمال، ج ۳، ص ۱۸۲، ح ۶۰۶۳



نگاره

فرار مالیاتی



احمد رضا سهرابی

کاراج و کارتونیست



فضای مجازی

<p>اخبار مجازی اهالی فرهنگ و هنر امروز اختصاص به معرفی پخش سرود جشنواره سسی و هشتم موسیقی فجر و اجرای کنسرت ماگانبد و دیگر اخبار سینمای جهان و ایران دارد.</p>
<p>موسیقی و سرود</p>
<p>بخش «سرود» یکی از بخش‌های جنبی جشنواره سسی و هشتم خواهد بود که بر مبنای آن ۱۰ گروه سرود برای نخستین بار در یک سالن مجزا طی ایام جشنواره روی صحنه خواهند رفت. به نقل از ایلنا، قرار است از میان ۱۰ گروه شرکت‌کننده، بهترین گروه سرود بر اساس آرای مردمی انتخاب و در آیین اختتامیه جشنواره معرفی و تقدیر شود. همچنین در این بخش که همه اجراهای آن به‌طور زنده برگزار می‌شود، هر شب یکی از فعالان عرصه سرود، تقدیر خواهد شد. سسی وهشتمین جشنواره موسیقی فجر از ۲۸ بهمن‌ماه تا سوم اسفندماه ۱۴۰۱ به دبیری بهزاد عبدی در بخش‌های رقابتی (جایزه باریبد) و غیررقابتی برگزار خواهد شد و جایزه نرانه، جایزه موسیقی و رسانه، بخش سرود و نشست‌های پژوهشی برنامه‌های دیگر این دوره از جشنواره خواهد بود.</p>
<p>زلزله در کنسرت</p>
<p>شامگاه یکشنبه ۲۳ بهمن، سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران در ۲ سانس، پذیرای طرفداران ماگان بند بود. به نقل از ایرنا، اتفاق خوبی که در این کنسرت رخ داد، مربوط به سانس اول بود. در این سانس، یک دختر حدوداً ۱۰ساله به همراه مادرش، از خوی به این برنامه آمد و به‌دلیل اصرار برای دیدن ۲ خواننده گروه، به پشت‌صحنه رفت. امیرمقاره و رهام هادیان، با دیدن این دختر کوچک تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند. امیر مقاره در سانس دوم کنسرت رو به مخاطبان گفت که هر زمان، اوضاع خوی عادی شود، آنها اولین خوانندگانی خواهند بود که به این شهر رفته و در هر تعداد سانس که نیاز باشد، به‌صورت رایگان برای مردم خوی اجرای برنامه خواهند کرد. این قول، با جیغ ممتد مخاطبان همراه بود.</p>

<p>سینما و قهرمان</p>
<p>منصور احمدی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان در حاشیه اکران فیلم «غریب» که شامگاه یکشنبه، ۲۳ بهمن‌ماه در سالن سینمای استقلال خرم‌آباد برگزار شد، فیلم «غریب» را فیلمی بسیار ارزشمند و تأثیرگذار دانست. او با بیان اینکه شهید بروجردی مایه افتخار لرستان است، به ایستنا گفت: فیلم «غریب» که در جشنواره فیلم فجر در لرستان اکران و با استقبال خوب مردم همراه شد به‌خوبی توانست گوشه‌هایی از زندگی سراسر افتخار شهید بروجردی را به نمایش بگذارد. امیدوارم مردم لرستان و بروجردی‌پرور همچون گذشته به سرداران خود افتخار کنند.</p>
<p>سینمای جهان در خانه</p>
<p>فیلم «فراموشی» با بازی تام کروز در بلتقم فیلم‌نت عرضه شد. به گزارش ایلنا، «فراموشی» محصول ۲۰۱۳ است و در آن تام کروز، مورگان فریمن و اولگا کوریلنکو نقش آفرینی کرده‌اند. این فیلم داستان دو مأمور است که در آینده‌ای دور، به زمین فرستاده می‌شوند تا منابع باقی‌مانده را شناسایی کنند، اما در طول مأموریت مشکلاتی غیر قابل پیش‌بینی برای آنها پیش می‌آید. اکتشن ماجراجویی و علمی‌تخیلی «فراموشی» با بودجه‌ای ۱۲۰ میلیون دلاری ساخته شد و در سطح جهان چیزی نزدیک به ۲۸۸ میلیون دلار فروخت. «فراموشی» اولین همکاری جوزف کازینسکی و تام کروز بود. این دو، سال گذشته در فیلم «تاب‌گان: ماوریک» برای دومین بار با یکدیگر همکاری کردند و نتیجه، یکی از موفق‌ترین فیلم‌های سال ۲۰۲۲ بود.</p>
<p>تلویزیون</p>
<p>برنامه تلویزیونی «خونه خودتونه» با محوریت خانواده از شبکه افق روی آنتن می‌رود. «خونه خودتونه» نام برنامه ترکیبی جدیدی است که شامل چند آیتِم در حوزه فرهنگ‌سازی خانواده و در شهرستان‌های مختلف تولید شده است. سیدروح‌الله رحیمی، تهیه‌کننده این برنامه به فارس گفت: مجریان برنامه ما یک زوج هستند که پیشتر هم سابقه اجرا داشته‌اند. این دو مجری فرزند هم دارند که شاید در آینده آنها را نیزوارد برنامه کنیم. یکی از آیتِم‌های جذاب ما تحت عنوان «من و مامان» و «من و بابا» است که در آن جای پدر و مادر و کودکان به‌صورت نمایشی تغییر می‌کند تا تجربیات آنها در این تغییر مشاهده شود. این برنامه هر هفته شنبه تا پنجشنبه ساعت ۱۷ و تکرار آن روز بعد ساعت ۱۰ میهمان خانه مخاطبین خواهد شد.</p>

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
- سردبیر:** کمیل نقی‌پور
- معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عبوضی (سیاسی) • مهدی مهرپور(اقتصادی) • مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی)
- آزاده سهرابی(اجتماعی) • بنفشه غلامی(جهان)

نقل قول



رشید

وطن‌دوست

خواننده



یادداشت

هنر و جهات آن



محسن نفر

آهنگساز،

پژوهشگر،

مدرس موسیقی

و نوازنده تار و سه تار

<p>علی کاکا دزفولی (سیاست) • فرزان قلعه‌دار(حوادث) اسماعیل علوی (پایداری) • لیدا فخری(اندیشه) محمدرضا عزیزی(گزارش) • زهرا کشوری (زیست‌بوم) سعید زاهدیان (ورزشی) مهدی کلهرنژاد(اجرای) حجت حکیمی(صفحه‌آرایی) • محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی(عکس)</p>
<p> </p>
<p> </p>

<p>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۰۰۷۵ پيامک: ۴۵۱۳۳۰۰۰۰ روابط عمومی: نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۵۳۳۸۸ آمور مسترکین: ۸۸۷۴۸۸۰ چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه انزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷(۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵</p>
<p> </p>
<p> </p>

کسانی که می‌گویند صدای همایون در سطح شجریان نیست، خواننده نیستند

این روزها همانند دو دهه گذشته در آموزشگاه خودم آواز کلاسیک، پاپ، آذربایجانی و سلفژ درس می‌دهم. نسل جدید استعدادشان خوب است؛ اما عمدتاً گوش‌شان ضعیف است براین اساس بسیاری فالش می‌خوانند و اشتباهه. کسی که می‌خواهد آواز بخواند باید گویایی گوشش قوی باشد. کسی که گوشش ضعیف باشد نمی‌تواند از پس آواز به‌گونه‌ای حرفه‌ای بربیاید. این موضوع بعد اجتماعی هم دارد یعنی باید آهنگ خوب و متنوع گوش کنند؛ چه از آوازهای ایرانی و چه غیرایرانی. مثلاً صدای محمدرضا شجریان جزو نمونه‌های خوب است؛ همایون شجریان هم خواننده خوبی است و اصافاً هم خوب می‌خواند. کسانی که می‌گویند صدای همایون در سطح پدرش نیست، خواننده نیستند که این را می‌گویند اما من کارشناس موسیقی هستم و می‌گویم که همایون خیلی خوب می‌خواند. همایون می‌تواند به پدرش برسد و این تنها مسئله سن و زمان است. این روزها وضعیت خوب نیست نه ارکستر سمفونیک ایران فعالیت دارد و نه ارکستر ملی ایران. در این سال‌ها این ارکستر بد نبود ولی عالی هم نبود اما در سال‌های اخیر مخاطب و طرفدارانش کم شده است. ا بخشی از صحبت‌های این خواننده با ایرنا

کلمه

حیف کوزه



حسام آبتوس

روزنامه‌نگار

حیف کوزه است که بخوایم شعار «هنر را سیاسی نکنید» را در آن بگذاریم و آتش را بچوریسم. فکر نکنید می‌خواهم درباره جایزه گرمی و اتفاقات مرتبط با آن حرف بزنم. بلکه می‌خواهم درباره ادبیات حرف بزنم. حتماً از خودتان و اگر دوستان به من پرسد از من، سؤال می‌کنید پس حرف حسابت چیست؟ این روزها دارم یک کتابی می‌خوانم از یک نویسنده برگزیده جایزه نوبل ادبیات. رماتی که مترجم مشهوری آن را ترجمه کرده و چه خوب هم ترجمه کرده است. از زمانی که این نویسنده برنده نوبل ادبیات شده نیزاین کتاب به دلایل مختلف که نوبل بردن نویسنده‌اش یکی از دلایل آن است بارها معرفی شده و درباره‌اش حرف زده شده و به ظرافت و زاویه نگاه نویسنده و جزئیات کتاب بارها پرداخته شده ولی تا قبل از اینکه خودم بخوانم با این نکته مواجه نشده بودم. چه نکته‌ای؟ اینکه نویسنده خیلی ریز و زیبا انگلیسی‌ها را طرفدار عدالت و بشريت نشان می‌دهد که برای گسترش آن تلاش می‌کنند در مقابل امریکایی‌ها را انسان‌های دو دوزه‌پاز معرفی می‌کند. اینکه به سابقه قرن‌ها استعمار و استثمار انگلیسی‌ها اشاره نشود (طبیعی است که اشاره شود) و طوری روایت کنی که انگار این بندگان که هیچ نقشی در بدبختی ملت‌های جهان نداشتند و اگر سال‌ها کشورهای مختلف را چاپیداند و سرزمین‌های مختلف را دستخوش زنج و بدبختی کرده‌اند هم در راستای عدالت‌گستری نهفته در روح بریتانیایی بوده است.

این نکته که باید به‌عنوان یکی از مضامین موجود در کتاب از آن یاد کرد، همان چیزی است که توجهم را جلب کرده بود. اینکه بارها درباره این کتاب حرف زده شده ولی اشاره‌ای به این نکات نمی‌شود نشان می‌دهد ما اسیر همان شعار مشهوریم که بالا به آن اشاره کردم. شعاری که حیف است در کوزه بگذاریم. این اتفاق چندمرتبه دیگر هم برایم تکرار شده بود ولی سعی می‌کردم خودم را قانع کنم که شاید به چشم خواننده یا کسانی که درباره آن کتاب‌ها حرف می‌زنند نیامده باشد ولی هر چه تعداد این دفعات زیادت‌ر شد حس کردم ماجرا چیز دیگری است. مثلاً در کتاب دیگری که مسائل صدامریکایی موج می‌زند از سوی خوانندگان هیچ اشاره‌ای به آنها نشده حتی در یک واکنش جالب از سوی کاربر خارجی یکی از شبکه‌های اجتماعی خواندم که نوشته شده بود: «این کتاب در میان مخاطب عرب‌زبان بسیار طرفدار است» (شباهت رسم‌الخط زبان فارسی به زبان عربی موجب چنین قضاوتی بود) و این نشان می‌دهد کتاب یک نویسنده مشهور که در آن سوبه‌های صدامریکایی دارد در جوامع غربی برجسته نمی‌شود و شهروند آن جوامع بابت اقبال مخاطبان اظهار شگفتی می‌کند. هرچند که همین کتاب هم در جامعه ما سوبه‌های فانتزی‌اش برجسته شده و کمتر به درونمایه آن اشاره شده است. در این دست در عالم کتاب کم نیست ولی خب قرار است با آثار برخورد سیاسی نداشته باشیم. به قول آقای جورج اورول در داستان «مزرعه حیوانات»، «همه با هم برابرند، اما بعضی‌ها برابرترند»؛ در واقع اگر غرب و دوستانش بخوایند برخورد سیاسی کنند ایراد ندارد، در ما هستیم که چنین اجازه‌ای نداریم و سریع با جمله «هنر را سیاسی نکنید» مواجه می‌شویم!

پیشنهاد

یک روایت هاکلبری فینی

جف نیکولز از آن دست کارگردان‌هایی است که بسیار دوستش دارم و اینکه چرا این همه کارهایش را با گاهی چندین باره می‌بینم بحث مفصلی است که احتمالاً جایش اینجا نیست؛ اما امروز و در این ستون می‌خواهم درباره یکی از فیلم‌هایش بنویسم که همین چند روز پیش به‌دلیلی، مثل یک کتاب یا فیلم مرجع ننشستم به تماشایش «MUD»: فیلم ستایشی مدرن از فضاها و شخصیت‌های محبوب برخی از بهترین آثار مارک تواین است و قهرمانان فیلم هم دو نوجوان چهارده ساله به نام‌های الیس (تای شرایدن) و نکین (جیکوب لافلند) به نوعی تداعی‌کننده تام سایر و هاکلبری فین هستند و شخصیت بزرگسال اصلی فیلم هم نه برده فراری، جیم، که فراری دیگری به نام ماد (متیو مک‌کونکی) است. با اینکه فیلمنامه جف نیکولز یک بازآفرینی دقیق از داستان مارک تواین نیست، اما اشتراکات و اشارات زیادی به مارک تواین را می‌توان در آن دید؛ مثلاً نام شخصیت تام بلکن شیب (سم شپرد) از شخصی حقیقی وام گرفته شده که منبع الهام مارک تواین در خلق هاکلبری فین بود. دوره رویداد فیلم دقیقاً مشخص نیست؛ دوره رویداد فیلم دوازدهم و هجدهم



فیلم کم و بیش یادآور دهه ۸۰ هستند. در فیلم خبری از کامپیوتر و تلفن همراه نیست، اما ممکن است این صرفاً به‌دلیل محل زندگی دورافتاده شخصیت‌های فیلم باشد؛ شخصیت‌هایی که روی خانه‌های قایقی فرسوده زندگی می‌کنند. زمان رویداد فیلم اهمیتی ندارد، چیزی که اهمیت دارد محل رویداد فیلم است. بخش عمده فیلم در جزیره‌ای متروکه در رودخانه می‌سی‌سی‌پی روی می‌دهد و دیگر صحنه‌ها در مکان‌هایی از آرکانزاس گرفته شده‌اند که ظاهری قدیمی دارند. فضایی که فیلم در آن می‌گذرد تداعی‌کننده سبک «کوتیک جنوبی» است؛ فضایی فعال که روی ذهن و عمل شخصیت‌ها اثرگذار است و چیزی بیش از یک پس‌زمینه صرف به حساب می‌آید. «Mud» هم به‌عنوان یک داستان ماجراجویانه و هم به‌عنوان یک درام، خوب عمل می‌کند؛ همان گونه که رابطه هاکلبری با جیم تغییرات اساسی در جهان بینی او ایجاد کرد و بلوغ فکری او را تسریع بخشید. فیلم یک داستان هنرچمان از رشد و بلوغ را با زاویه دیدی غیرمرسوم روایت می‌کند که در آن یک سؤال مهم مطرح می‌شود و آن اینکه در هنگام رشد آیا بور به عشق از وجود آن مهم‌تر است؟ «Mud» پاسخ مشخصی به این سؤال نمی‌دهد، ولی آن را موشکافانه بررسی می‌کند. همان‌طور که گفته شد نباید از بازی درخشان مک کاناهی در این فیلم غافل شد. او در سال‌های اخیر با پذیرفتن نقش‌های چالش برانگیز به جای نقش‌های پردرآمد، خود را به‌عنوان یک بازیگر دوباره سرزبان‌ها انداخته و نقشی او در کمدی‌مزانتیک‌های دهه قبل را به فراموشی سپرده و نقش‌های جدیدش در فیلم‌هایی مثل مایک دادویی، جوی قاتل و… را ماندگار کرده است، «MUD» هم قدمی دیگر در تکامل او به‌عنوان بازیگر است. بازی او در این نقش قوی، به یاد ماندنی و کم اشتباه است. جف نیکولز به گفته خودش این فیلم را هم مثل فیلم قبلی‌اش «پناه بگیر» از اول برای متیو مک‌گاناهی نوشته است. در کنار مک‌گاناهی، تای شرایدن که تنها تجربه قبلی او بازی در «درخت زندگی» است هم نمایشی قدرتمند از الیس که قلب عاطفی فیلم است، ارائه می‌دهد.



می‌تراود مهتاب

می‌درخشد شب‌تاب

نیست یک‌دم شکند خواب‌به‌چشم‌کس ولیک

غم این خفته چند

خواب در چشم‌ترم می‌شکند

نمایاوشیح

فرهنگستان

فرستی جدید رویه‌روی مدیران فرهنگی

جمله مشهوری هست که «تحریم‌ها فقط تهدید نیست، فرصت هم هست.» شاید تحریم جشنواره فجر توسط برخی از اهالی سینما از نظر گروهی تهدید به نظر برسد، اما در دل این تهدید، فرصت پوست‌اندازی دوباره سینما فراهم می‌شود. این پوست‌اندازی می‌تواند در همه سطوح اتفاق بیفتد. از فیلم‌سازی که تا به حال در حاشیه کار می‌کردند و کمتر در متن ماجرای جشنواره‌ها بودند، تا مخاطبینی که سال‌ها است با سینما و فیلم‌های سینما قهر کرده‌اند و به آنجا نمی‌روند.

حالا که فرصت چنین پوست‌اندازی‌ای فراهم شده است، نکاتی هست که سال‌ها است در سیاست‌های مختلف ما مغفول مانده و باید آن را مغتنم شمرد. اول اینکه برای سیاست‌های فرهنگی نیاز به استراتژی و راهبرد است. شاید روی کاغذ برای بسیاری از چیزها راهبرد وجود داشته باشد، اما در میدان عمل اتفاقی نمی‌افتد. سال‌ها است با تغییرات سیاسی در مدیریت‌های فرهنگی، حتی مضامین، کارگردانان، نویسندگان و حتی جوایز جشنواره‌ها تغییر می‌کند. این رویکرد شاید فوایدی داشته باشد، اما باعث نمی‌شود رؤیای فرد ایرانی بخصوص در سینما رقم بخورد. دوم اینکه از اتفاق به وجود آمده می‌توان استفاده کرد و الگوهای جدیدی در فضای فرهنگی کشور بخصوص در فضای سینما تعریف نمود؛ الگوهایی که از بستر فرهنگ اسلامی-ایرانی بیرون آمده باشد و جامعه خود را در آینه چنین الگوهای ببیند. چند سال پیش در مصاحبه‌ای که با یکی از کارگردانان سینما داشتم، وقتی درباره وضعیت فیلم‌ها از او پرسیدم تعریبی عجیبی داشت. او معتقد بود فیلم‌های ایرانی با شکستن چهارچوب‌ها، مخاطبین خود را به سینما می‌کشند. این بدین معنا است که افراد برای آن پای فیلم‌ها نمی‌نشینند که خود را با یکی از داستان فیلم پیدا کنند، بلکه به خاطر سنت‌شکنی نقش ببینند و بازی می‌کنند؛ اما حالا با تغییر الگو می‌توان نقش مخاطبین را هم تغییر داد. اگر تا به حال اکثر فیلم‌های سینمای ایران مدل پرزنگاری دنیال می‌کردند و با نشان دادن آسیب‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و… سعی داشتند آنها را به مخاطبین و مسئولان نمایش دهند، اما حالا می‌توان این چهارچوب را به سمتی برد که اولاً فیلم‌ها نمایش‌دهنده زندگی واقعی مردم باشند و مخاطب با خود فکر کنند که در دل سینما جای دارد و ثانیاً دسترسی داشته باشند در کنار مطرح کردن آسیب‌های اجتماعی، صفات مثبت انسانی را هم بیدار کنند، همچنین با نشان دادن سفر قهرمان، مخاطبین را به سمت آزمان‌ها و رؤیاهای دعوت کنند. شاید برخی با موضوع پرداختن به صفات مثبت انسانی و نقش قهرمان موافق نباشند، چراکه می‌گویند جریانات سینما از دل مشکلات جامعه و نگره‌های مردم استخراج می‌شود، اما به نظر می‌رسد اقتادن در چرخه منفی مشکلات، وضعیت جامعه را تغییر نخواهد داد. شاید یک فیلم نتواند ذائقه‌سازی کرده و رویکرد رفتاری آدم‌ها را تغییر بدهد اما اگر فیلم‌های پرزنگاری در فضای قهرمان‌سازی و نگرش‌های امیدوارانه به فضای زندگی ساخته شود، فکر، هیجان و رفتار آدمی را در جهت بازی مثبت پرورش داده و همین موضوع چرخه منفی آسیب را تغییر می‌دهد. شاید پذیرش چنین موضوعی سخت باشد و افراد بگویند با شرایط فشارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و… ساخت چنین فیلم‌هایی مشکل به نظر می‌رسد، اما باید این چرخه را از نو بازسازی کرد.

نکته مهم دیگری که سال‌ها مغفول تمامی سیاست‌ها بخصوص سیاست‌های فرهنگی است، موضوع سخنش اثر محصولات فرهنگی است. سال‌ها است محصولات فرهنگی بدون کمترین مخاطب‌سنجی تولید می‌شوند و نه تنها روی مخاطبین اثر مطلوب خود را نمی‌گذارند، بلکه باعث فاصله‌گذاری آنها می‌شوند. به علاوه آنکه نمی‌دانیم آثاری که مخاطبین خود را درگیر می‌کنند، آیا کوچک‌ترین تغییری در نگرش‌ها، احساسات و رفتارهای آنها ایجاد می‌کنند یا خیر؟! هر چند طی این سال‌ها مقالاتی پراکنده در این موضوعات حاصل شده است، اما مطالعات منسجم با رویکردی کاربردی وجود ندارد و همین موضوع باعث می‌شود تولید آثار فرهنگی بخصوص در سینما –که کلید پیشرفت کشور است- دچار ضعف شود و مخاطبین با آن همراهی کمتری نشان دهند.

عکس نوشت



نمایش «هایکو پارو زن یک دست» نوشته و کار ماندانا عبقری به زودی اجرای خود را در مجموعه تئاتر شهر آغاز می‌کند. این اثر نمایشی در ۹۹ روز هجدهمین جشنواره نمایش عروسکی تهران مبارک که به صورت مجازی برگزار شد، شرکت کرد و قرار است از روز ۲۷ بهمن ماه در کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر روی صحنه برود. / **ایسنا**